

بسم الله الرحمن الرحيم

کارگاه اندیشه

ویژه نوجوانان و جوانان

م ۰ قنبری





سخنی با مربی جهادگر

مربی محترم:

قَالَ النَّبِيُّ (ص): «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَأْنَنَ فَهُوَ فَضْلٌ»؛

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: در حقیقت، علم سه دسته است: آیه محکمه (علم عقاید)، فریضه عادلّه (علم اخلاق) و یا سنت قائمه (علم احکام) و غیر از این سه علم بقیه علوم فضل و زیاده اند».

حمد و سپاس خداوندی را که انبیا را جهت هدایت و تکامل انسانها فرستاد تا راه رسیدن به کمال را به انسان ها نشان داده و دین اسلام را در جهان گسترش دهند. آن جایی که هدف از زندگی انسان ها رسیدن به کمال الهی است و انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوندی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است برای رسیدن به مقام خلیفه الهی، خداوند دین اسلام را برای نجات وی از منجلاب شرک و جهل و گمراهی فرستاده است. اما با توجه به این که همواره در جامعه بشری یافت می شوند که از این هدف سرپیچی می کنند و نه تنها خود بلکه دیگران را نیز به سوی ضلالت می کشانند، از ابتدای خلقت جها علیه حق و باطل شکل گرفت. بنابراین جهاد همواره وجود دارد و در هیچ برهه ای از زمان تعطیل نمی شود بلکه به اقتضای شرایط شکل و هیئت آن تغییر می کند. با توجه به اهمیت اسلام و انقلاب بر ماست که با بینشی کامل و عزمی راسخ در عرصه جهاد گام نهم و خارهایی را که مانع پیشرفت اسلام است بزداییم. جهاد کنونی مکمل راه مجاهدان دفاع مقدس است و آن اصلاح جامعه و احیای ارزش های اسلامی است.

این جزوه با چینش سیر مطالب جهت سهولت در امر تبلیغی، تنظیم شده است.

نکته ۱: شیوه کاربرد جزوه به صورت کارگاهی است و جهت تنوع در کلاس ها سعی بر آن شده که از داستان، جدول، شعر، پرسش، حدیث، فعالیت کلاسی و نمایشی،... استفاده شود تا جذابیت بیشتری برای مخاطب داشته باشد.

نکته ۲: حتی الامکان افراد به گروه های چند نفره (۳ نفره) تقسیم شوند و فعالیت های گروهی (پرسش، جدول، حفظ حدیث و...) را با هم انجام دهند و به صورت مسابقه اجرا شود.

نکته ۳: جزوه اعتقادات در سه مقطع سنی تهیه شده است اما با توجه به اشتراک بعضی مباحث جوان و بزرگسال، در بخش بزرگسال مباحث مشترک ارائه نشده و تنها به مباحث اختصاصی پرداخته شده است.

لازم به ذکر است که مطالب مطرح شده در جزوه از ۵ منبع و کتاب معتبر جمع آوری شده است.



روز اول: معارفه و آشنایی

با توجه به این که قبل از آغاز کلاس ها نیاز است که ارتباط صمیمانه و هم دلی بین اهالی محترم و جهادگران بوجود آید، روز اول جهت معارفه و آشنایی است؛ به این صورت که جهادگران به روستاها اعزام شوند و با رفتن به حضور تک تک اهالی، رابطه ای نزدیک و صمیمانه با آن ها برقرار نمایند و در ضمن این رابطه معارفه صورت گیرد و سپس برنامه های پیش رو برای آن ها بیان شود و از آن ها دعوت به عمل آید. همچنین اوقات فراغت اهالی از آن ها پرسیده شود تا ساعت کلاس ها طوری تنظیم شود که امکان حضور اکثر اهالی فراهم شود.

روز دوم: خداشناسی

*اثبات وجود خدا:

اگر انسان بداند "از کجا آمده است؟ در کجاست؟ و به کجا خواهد رفت؟"

، خوشبخت و سعادتمند می شود.

چگونه می توان در درون خود فدا را یافت؟

زمانی که حوادث و سختی ها در زندگی انسان رخ می دهند و همه درها به روی انسان بسته می شمعند و احساس نا توانی و تنهایی در برابر مشکلات می کند، نیرویی به یاری او می شتابد که همان ایمان به خداوند متعال است. به عنوان مثال ،اگر هر انسانی حتی آن کسی که خدا را قبول ندارد و منکر وجود خداست ، در دریایی غرق شود در همان حال ناخودا گاه رو به سوی خدا می آورد و از خدا می خواهد که به یاری او بشتابد. بنابراین ضمیر و فطرت هر انسانی خدا را می پذیرد اگر چه به ظاهر منکر خدا شود.

برهان نظم چیست؟

یکی از دلایل اثبات وجود خداوند نظم و هماهنگی موجود میان اجزای یک مجموعه است که همه به دنبال هدف خاصی در حرکت هستند. به عنوان مثال کرک و پشم حیوانات جهت حفظ حیوان از سرما و آفات است و سم های حیوان جهت نساییدن پاهایش است. و یا مغز مورچه



دارای ساختمان عجیبی با بخش های مختلف است که هر کدام فرمانده قسمتی از اندام کوچک مورچه هستند که در کنار هم چیده شده اند و کمترین دگرگونی در وضع آن ها قسمتی از بدن او را فلج می کند و عجیب تر این که در این مغز کوچک هوش و ذکاوت بسیاری نهفته شده است.

هم چنین فقر و نیازمندی موجودات عالم هستی، بیانگر آن است که همه موجودات طبیعی محتاج موجود دیگری هستند؛ زیرا موجودات در شرایط خاصی دارای صفاتی هستند و در شرایط دیگر آن صفات را از دست می دهند. مثلا در اثر سرما و گرما بیمار می شوند و یا در اثر مرگ از دنیا می روند و... بنابراین نیازمند موجودی اند که از سنخ خودشان نباشد و همواره وجود داشته باشد که آن خداوند متعال است.

داستان: روزی نیوتن به شخصی گفت که ماکت منظومه شمسی را برایش بسازد. زمانی که ماکت ساخته شد روزی دوست نیوتن که اعتقادی به وجود خداوند نداشت ماکت را دید و با تعجب پرسید: چه چیز جالبی است! چه کسی این ماکت را ساخته است؟ نیوتن در جوابش گفت: هیچ کس! بلکه تصادفی و خود به خود بوجود آمده است. دوستش با ناراحتی پرسید مگر من احمقم! چگونه ممکن است این ماکت زیبا بصورت تصادفی بوجود آمده باشد؟ سازنده اش فرد نابغه ای است. نیوتن با شنیدن این حرف به او گفت: تو چگونه با دیدن ماکت کوچکی از جهان، پی به وجود سازنده و خالق آن بردی اما اصل جهان هستی را بدون خالق و آفریننده می دانی! دوستش شرمنده شد و جوابی نتوانست دهد. به این قانون، علیت می گویند. یعنی از معلول هایی که در جهان وجود دارند پی به وجود علتشان می بریم که خداوند متعال است.

*اثبات یگانگی خدا:

نظم جهان و یکنواختی عالم دال بر وجود خالق
یکناست.

اگر فرض کنیم به جای یک فدا چند فدا وجود داشته باشد چه مشکلی پیش
می آید؟

اگر در عالم بیش از یک خدا وجود داشته باشد نظام جهان مختل می شود زیرا به عنوان مثال یک خدا دوست دارد گیاه بیافریند و خدای دیگر دوست دارد به جای گیاه، انسان و حیوانات را بیافریند و در تمام امور هستی اختلاف نظر پیش می آید و نظام جهان در این صورت فاسد می شود. فرض کنید یک باغی دو باغبان داشته باشد و هر کدام بخواهند در آن باغ چیزی که خودشان دوست دارند بکارند، یک روز باغبان اول گل رز می کارد، اما چون باغبان دوم گل یاس دوست دارد گل رز را بکند و به جایش یاس بکارد و همین طور ادامه یابد. در آخر هر کدام کاشت دیگری را از بین می برند و در آن باغ چیزی کاشته نمی شود و اختلال بوجود می آید.

شعر:

رفتم کنار دریا/ گفتم بگو خدا کیست؟/ دریا به گوش من
گفت/ مثل خدا کسی نیست/ او آفریدگار/ کوه و درخت و
دریاست/ دانا و پاک و زیباست/ بخشنده و تواناست/ بابای بچه

روز سوم: ضرورت پرستش

*شناخت نعمت های خدا:

در قرآن کریم (واقعه ۷۴-۶۳) به برخی از نعمت های خداوند اشاره نموده و این که خداست که زراعت و محصولات کشاورزی انسان را می رویاند به حدی که تبدیل به دانه یا گیاه یا درخت می شود. خداوند ابر را آفریده تا باران بیارد و چشمه ها جاری شود و آب های گوارا برای نوشیدن مهیا شود. سپس انسان رابه شکرگذاری فراخواند.

۱- خداوند انسان هایی که کارهای..... انجام دهند، دوست دارد. (فوب)
۲- خداوند انسان هایی که..... گذاری می کنند دوست دارد. (شکر)
۳- خداوند انسان هایی را که در نماز می خوانند را دوست دارد. (مسجد)

*شکر نعمت ها:

در محبت خدا همین بس که تمام مخلوقات را برای انسان خلق کرده است.

وظیفه ما در برابر این همه نعمت ها چیست؟

دا...
پيوسته شکر خدا را به جای می آورد. شیطان به او حسد نمود و به خدا گفت که سپاس گزاری ایوب به خاطر نعمت های بسیاری است که به او داده ای،

اگر این نعمت ها را از او بگیری هرگز شکر تو را به جای نخواهد آورد. خدا که اخلاص و ایمان ایوب را می دانست تمام اموال و فرزندان ، زراعت، گوسفندان ... او را گرفت اما از شکر ایوب کم نشد تا این که شیطان به خدا گفت مرا بر بدن ایوب مسلط کن و خدا این اجازه را به او داد. شیطان نفسی زهراگین بر پیکر او دمید و همه بدنش سر تا پا زخم شد سپس کرم در بدنش پدیدار شد و متعفن گردید، مردم از بوی تعفن او را از قریه بیرون بردند و در ویرانه ای افکندند و تنها همسرش با او در رفت و آمد بود که برایش غذا تهیه می کرد. شیطان تصمیم گرفت از طریق همسرش او را فریب دهد. به سراغ همسرش رفت و او را وسوسه کرد که ایوب این همه شکر خدا را می کند در حالیکه همه چیزش را از دست داده است، اگر می خواهد بیماری اش خوب شود بگو گوسفندی ذبح کند ولی نام خدا را نبرد. همسرش طبق این کار عمل کرد ولی ایوب فهمید که این حيله شیطان است و از همسرش اعراض نمود و همسرش او را تنها گذاشت. با این حال از شکر ایوب کاسته نشد. وقتی که خدا این همه شکر ایوب را دید به او گفت پای خود را بر زمین بزن. با این کار چشمه ای جاری شد، ایوب بدن خود را در آن شست و تمام بیماری های ایوب برطرف شد و تبدیل به جوان زیبایی شد. همسرش بعد از مدتی برگشت ولی پیرمرد بیمار را آن جا نیافت. به سمت جوان رفت و از او پرسید که آیا ایوب او را ندیده است؟ جوان گفت که او چگونه است؟ پیرزن گفت در جوانی بسیار شبیه تو بوده است، در آن هنگام حضرت ایوب خود را معرفی نمود و گفت که من همان ایوب پیر هستم که خدا به برکت شکر و سپاس مراجوان نمود. به همسرش گفت که در آب چشمه خود را بشوید و پس از آن همسرش نیز جوان شد. سپس خدا تمام نعمت های گذشته ایوب را به او باز گرداند.

روایت است که در قیامت شخص گرفتاری را که در اثر ابتلا به بلاهای گوناگون به لغزش دچار شد، می آورند و او عذر می آورد که به دلیل گرفتاری دچار لغزش شدم. در آن هنگام ایوب نبی را می آورند و به او می گویند آیا بلاهای تو بدتر است یا بلاهای ایوب؟ که او با همه مصائب باز هم بندگی خدا را نمود.

شکر نعمت باعث فزونی نعمت می شود و کفر نعمت باعث از دست دادن آن می شود. (ابراهیم ۷)

داستان: روزی امام صادق (ع) مشغول خوردن انگور بودند که فقیری از ایشان درخواست کمک کرد. حضرت مقداری انگور به فقیر دادند ولی فقیر از گرفتن آن خودداری کرد و درخواست پول نمود. امام به او چیزی ندادند و فرمود ندخدا به تو عطا کند. فقیر رفت و مدتی بعد برگشت و همان انگور را طلب نمود اما امام دیگر انگور را نیز به او ندادند و فرمودند خدا به تو عطا کند. کمی گذشت و نیازمند دیگری آمد و درخواست کمک کرد، حضرت ۳ دانه از یک خوشه انگور را به او دادند و، سائل خدا را سپاس گفت. حضرت با دیدن شکر سائل دوباره دو دست خود را پر از انگور نمودند و به او دادند، سائل دوباره حمد خدا را نمود. باز امام به او گفت که صبر کند و تمام پول خود را که ۲۰ درهم بود به سائل عطا کردند. سائل دوباره حمد خدا را نمود و امام پیراهن خود را در آوردند و به او دادند. سپس سائل از حضرت تشکر کرد و خداحافظی کرد...

از مهم ترین مصادیق شکر نعمت و پرستش خدا چیست؟

بر ماست که شکر نعمتهای خدا رابه جای آوریم و خدا را عبادت کنیم.

نمونه بارز عبادت نماز است که حرف زدن بنده با معبود خویش است.

در روایتی از رسول اکرم آمده هر کس نماز را سبک بشمرد به ۱۵ بلا مبتلا می شود که شش بلا در دنیا ، سه بلا موقع مرگ،سه بلا در قبر و سه بلا در قیامت. * اما بلایای دنیا و هنگام مرگ (۱)خوار و ذلیل می شود. (۲)گرسنه می میرد. (۳)تشنه می میرد. (۴)خدا برکت عمرش را می برد. (۵)برکت رزقش را می برد. (۶) سیمای صالحان از چهره اش محو می شود. (۷) هر عملی انجام دهد پاداش داده نمی شود. (۸) دعایش به آسمان نمی رود. (۹) بهره ای از صالحین برایش نیست. * بلایای قبر: (۱) خدا ملکی را در قبر برایش می گذارد که او را عذاب کند. (۲) قبرش برای او تنگ می شود. (۳) گرفتار ظلمت و تاریکی قبر می شود. * بلایای آخرت: (۱)خداوند ملکی را موکل کند که او را با صورت به زمین بکشد، در حالی که خلائق تماشا می کنند. (۲) محاسبه اعمالش به سختی است. (۳)خداوند به او نظر لطف نمی کند و برایش عذاب همیشگی است.

شعر:

فرشته های زیبا/از اون بالا بیایید/ از آسمون

آبی/ به سوی ما بیایید/ ما هم فرشته

هستیم / مثل خود شما مییم / خوب وقشنگ و

زیبا/ خدارو می پرستیم / فرشته های بیاید/ با

* جایگاه بی نمازان در قیامت:

رسول اکرم(ص) فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و هنوز وحی تمام نشد که صدای وحشتناکی به گوش من رسید، به طوری که چهره فرشته وحی تغییر کرد. پرسیدم: این چه صدایی بود؟ گفت: ای محمد! خداوند در جهنم چاهی قرار داد. سنگ سیاهی را در آن انداخت که پس از ۱۳ هزار سال آن سنگ به کف آن چاه رسید. پرسیدم آن چاه جایگاه چه کسانی است؟ گفت: جایگاه بی نمازان و شراب خواران.

روز چهارم: ضرورت نبوت

* فلسفه نبوت:

انبیا راهنمایی هستند که راه بندگی و نزدیک شدن به خدا را به ما می آموزند.

آیا بدون پیامبران می توانستیم هدایت شویم؟

اگر پیامبران نبودند بشر در تاریکی جهل به سر می برد، به عنوان مثال مردم عرب قبل از نبوت رسول اکرم(ص) در جاهلیت به سر می بردند. در میان سنگلاخ ها و مارها زندگی می کردند، آب های لجن را می آشامیدند و غذاهایشان مانند سوسمار و جانوران بود. یکدیگر را می کشتند و با هم رابطه ی خویشاوندی نداشتند و از هیچ گناهی اجتناب نمی کردند. به جای خداوند بت هایی از سنگ و چوب را که به دست خود می تراشیدند عبادت م کردند. دختران خود را زنده به گور می کردند، در مسافرت سنگ هتی بیابان را عبادت می کردند. و رسول اکرم(ص) در آن شرایط به نبوت رسیدند و مسیر زندگی اعراب را متحول نمودند.

تفاوت پیامبران با افراد عادی چیست؟

پیامبران کسانی هستند که هیچ گناه یا اشتباهی انجام نمی دهند و خداوند چون می دانست این ها لیاقت هدایت مردم را دارند

آنان را از میان امت برگزید. به این صفت پیامبران عصمت می گویند. آن ها از طریق وحی (یعنی ارتباط پنهانی و معنوی با خداوند) ارتباط برقرار می کردند و مطالبی را که باعث سعادت بشر بود از این طریق به مردم ابلاغ می کردند.

* تعداد پیامبران:

خداوند متعال ۱۲۴ هزار پیامبر برای هدایت بشر فرستاد که هر کدام از آن ها دین پیامبر قبلی را کامل می کرد و از میان آنان ۵ پیامبر با شریعت و آیین جدیدی آمدند که به آن ها پیامبران اولوالعزم می گویند و عبارتند از: حضرت نوح (ع)، ابراهیم (ع)، عیسی (ع)، موسی (ع) و محمد (ص). همه ی انبیا مردم را به سوی یک هدف دعوت می کردند و همه برای صدق ادعای نبوت خویش معجزه انجام می دادند.

پیامبران در راه اسلام زحمات زیادی کشیدند به عنوان مثال:

حضرت یونس مردم بت پرست قوم خود را به خداپرستی دعوت می کرد ولی آن ها اطاعت نمی کردند و در تمام مدت تبلیغش جز ۲ نفر کسی به او ایمان نیاورد. قوم او بسیار لجوج و سرسخت بودند و یونس از سرسختس قوم خود خسته شد و با حالت خشم به بیابان رفت، به این تصور که وظیفه خود را انجام داده و دیگر دعوتش اثری ندارد؛ قبل از فرمان خدا قومش را ترک کرد. نشانه های عذاب قوم ظاهر شد، هوا به شدت تاریک گشت، در آن لحظه مردم به خطای خود پی بردند و پیش از نزول عذاب توبه کردند و با رحمت الهی عذاب از آن ها برطرف شد. یونس که از این ماجرا خبر نداشت به سمت دریا رفت. سوار بر کشتی شد. در وسط دریا امواج هولناکی پدید آمد و خطر غرق شدن همه مسافران بود، از این رو تصمیم گرفتند یکی از مسافران را به قید قرعه به دریا افکنند. ۳ بار قرعه زدند و هر ۳ بار به

اسم یونس در آمد. او راه دریا افکندند . ماهی عظیمی به دستور خدا او را بلعید ولی لطمه ای براو وارد نکرد. یونس مدتی در دل ماهی بود و از روی غم و اندوه به خاطر ترک قومش توبه کرد و خدا او را نجات داد و دوباره به سوی قومش بازگشت.

وظیفه ما در مقابل زممات انبیا چیست؟

داستان: روزی حضرت موسی (ع) به خداوند گفت کدام خصلت من باعث رضایت تو شده است؟ خطاب رسید وقتی که چوپانی می کردیدر یک روز گرم تابستانی بزغاله ای از گله گریخت، تو به دنبال آن مسافت زیادی را رفتی و از شدت حرارت به زحمت افتادی و زمانی که به آن حیوان رسیدی او را با ملایمت به دوش گرفتی و به گله بازگرداندی. من به خاطر محبت آن روز تو تاج اصطفای بر سرت نهادم و تو را به مقام رسالت و نبوت برگزیدم.

داستان: روزی گناه کاری از دنیا رفت ، همسرش برای انجام مراسم غسل و کفن و دفن او از مردم درخواست کمک کرد ولی شدت نفرت مردم از آن گنهکار به اندازه ای بود که کسی برای انجام مراسم حاضر نشد. سپس جنازه را به صحرا برد تا بی غسل و کفن و نماز دفن کند . نزدیک صحرا کوهی بود که در آن زاهدی می زیست که همه عمر خود را به عبادت گذرانده بود و مشهور به زهد و تقوا بود. همین که جنازه را دید از صومعه خود به سمت

جنازه رفت تا در مراسم او شرکت کند، اهل آن اطراف به خاطر حضور عابد، همه در مراسم شرکت نمودند. مردم علت شرکت کردن عابد را در مراسم را پرسیدند. او گفت: در عالم رویا به من گفتند، فردا از محل عبادت خود به فلان منطقه صحرا برو، در آن جا جنازه ای است که جز زن، کسی همراه او نیست. و بر او نماز گذار که مورد آمرزش و عفو قرار گرفته‌است. مردم از این واقعه تعجب کردند و با حیرت علت را از همسر میت پرسیدند. زن گفت: وقتی کفن او را گشودم با خط سبزی بر سینه او نوشته شده بود، ما این عبد رابا آب توبه غسل دادیم.

روز پنجم: پیامبر اکرم (ص)

* ختم نبوت:

پیامبران الهی یکی پس از دیگری برای هدایت بشر آمدند و رسول اکرم (ص) خاتم پیامبران است؛ زیرا در زمان ایشان دین کامل به مردم عرضه شد.

پدرا دین از اول کامل عرضه نشد؟

زیرا انسان ها توانایی این را نداشتند که همه ی دستورات الهی را یکدفعه دریافت نمایند و به همین دلیل مرحله به مرحله کامل شد. مانند کودکی که در ابتدا به او شیر می دهند و بعد از مدتی غذاهای سبک و سپس که به رشد کامل رسید غذاهای کاملی می تواند بخورد.

قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر اکرم است و قرائت آن حرف زدن خدا با بندگانش است.

در حدیثی آمده است که خانه ای که در آن قرآن بخوانند و خدای متعال را یاد آرند، برکتش فزونی یابد و فرشتگان به آن خانه درآیند و شیطان از آن دوری جوید و آن خانه برای اهل

آسمان نور دهد چنانکه ستارگان برای اهل زمین نور دهند. همچنین خانه ای که در آن قرآن نخوانند و خدا را یاد نکنند، برکتش اندک شود و فرشتگان از آن خانه دوری جویند و شیاطین به آن در آیند.

پند نمونه از ویژگی های پیامبر اکرم را نام ببرید؟

داستان: روزی شخصی یهودی در کوچه جلوی پیامبر را گرفت و به دروغ مدعی شد که از ایشان طلبکار است و تقاضای پول نمود. هرچه رسول اکرم (ص) با او نرمی و ملایمت می گرد، او بیشتر خشونت می نمود تا جایی که با پیامبر گلاویز شد و جامه پیامبر را دور گردنشان پیچید و می کشید، به طوری که اثر سرخی در گردن حضرت نمایان شد. مسلمین با دیدن این صحنه به یاری حضرت آمدند اما حضرت مانع دخالتشان شد و فرمودند من خودم می دانم با رفیقم چگونه رفتار کنم. مهربانی و عطوفت حضرت باعث شد که آن شخص یهودی همان جا اسلام آورد.

چه کنیم تا پیامبر (ص) ما را دوست بدارند؟

در حدیثی وارد شده که: در قیامت بنده ای را می آورند که گریان است. خدای سبحان خطاب می کند که چرا می گریی؟

می گوید: گریه می کنم بر آن چه از عیوب و بدی های من در نزد آدمیان و فرشتگان آشکار خواهد شد. خداوند می فرماید: ای بنده من ، تو را در دنیا با کشف عیوب و اعمال ناشایست رسوا نکردم و حال آن که گناه می کردی، پس چگونه امروز تو را رسوا کنم؟ رسول خدا(ص) از خداوند درخواست می کند که امت او را در حضور فرشتگان و پیامبرای دیگر امت ها محاسبه نکنند تا عیب های آن ها برایشان ظاهر نگردد بلکه طوری آن ها را محاسبه کند که به جز خدای سبحان و پیغمبر او، دیگری بر گناهشان آگاه نشود. خطاب الهی رسد که ای حبیب من، من به بندگان خود از تو مهربان ترم، چون تو روا نداری که عیوب ایشان نزد غیر تو آشکار شود، من روا ندارم که بر تو نیز ظاهر گردد. من خود به تنهایی آنان را محاسبه می کنم چنان چه جز من کسی بر لغزش های آنها آگاه نشود.

رسول اکرم(ص): ممیوب ترین شما نزد خدا کسانی اند که افلاقتشان نیکوتر باشد...

روز ششم: ضرورت امامت

*فلسفه وجود امامان:

امامان برای رساندن انسان ها به مقصد، بعد از پیامبر(ص) راهشان را ادامه دادند.

چرا با وجود فتنه نبوت، وجود امامان ضرورت دارد؟

اگر راننده ای که می خواهد مسافری را به مقصد برساند در وسط راه آنها را رها کند آیا کار درستی انجام داده است؟ در این صورت مردم متحیر و سرگردان در نیمه راه باز می مانند. بنابراین اگر راننده ای نمی تواند مسافری را تا مقصد همراهی کند باید کسی را به جای خود بگذارد تا آنها را به مقصد برساند. رسول اکرم (ص) نیز که راهنمای مردم برای رسیدن به سعادت است باید جانشینی داشته باشد که ادامه دهنده راهش باشد. ایشان قبل از رحلت خویش در بازگشت از آخرین سفر حج، امامت امام علی (ع) را به مردم اطلاع دادند. حضرت نه تنها در این واقعه (غدیر) بلکه در مواقع مختلف تاکید مداومی بر جانشینی حضرت علی (ع) داشتند. هم چنین رسول اکرم (ص) امامان بعد از امام علی (ع) را نیز برای مردم اعلام نمودند.

نفسستین امام شیعیان کیست و چگونه به امامت رسید؟

(بیان حادثه غدیر، منزلت ، یوم الدار توسط

مربی.)

داستان: روزی حضرت علی(ع) در راهی به پیر زنی رسید که مشک آبی بر دوش می کشید. حضرت (ع) جلو رفت و مشک آب را از او گرفت، در بین راه از احوال زن جويا شد. پیر زن که ایشان را نمی شناخت گفت: علی همسر مرا به جنگ فرستاد و کشته شد ، اکنون چند یتیم برایم مانده و من قدرت اداره زندگی را ندارم و به خاطر فقر ناچارم به خدمت کاری مردم بپردازم. علی(ع) از سرگذشت آن زن خیلی متاثر شد و فردا صبح با سبدي از طعام به خانه ی آن زن رفت و با تمام وجود آماده خدمت به آن زن شد، به کودکانش غذا می داد و با آن ها مهربانی می کرد. در همان موقع فردی وارد منزل پیرزن شد و حضرت را شناخت، به پیر زن گفت که ایشان پیشوای مسلمین حضرت علی(ع) است. پیرزن که تازه حضرت را شناخته بود از ایشان معذرت خواست اما ایشان در جواب گفتند من خجالت می کشم از این که در مورد شما کوتاهی نمودم و از پیر زن عذر خواهی کرد.

امام علی (ع): صله (راه) را به جا آورید، اگرچه به سلام کردن باشد.

روز هفتم: معرفی امامان

*تعداد امامان:

حضرت علی(ع) با دختر رسول اکرم(ص) ازدواج نمودند و ثمره این ازدواج، امامان بعدی است.

تعداد امامان و نامشان را بیان کنید؟

نسبت اهل بیت(ع) به ما از نسبت پدر و مادر به ما نزدیک تر و شدید تر است. والدین اصل و ریشه جسمانی و دنیوی ما هستند ولی اهل بیت(ع) حقیقت روح و ذات ما و ریشه ی الهی و ابدی ما هستند. اهل بیت(ع) واسطه عشق به خداوند و رساننده ی ما به حق تعالی هستند. هر کس رابطه خویش را در زندگی با خداوند و معصومین قطع کند، جنایت و ظلم بزرگی مرتکب شده است و خداوند و پیامبران و فرشتگان الهی چنین شخصیتی را مورد لعن قرار می دهند و لعنت یعنی دوری از رحمت و هدایت الهی و دور شدن از راه خوشبختی.

در حدیثی از رسول خدا روایت شده است که: "اهل بیت من همانند کشتی نوح اند که هر کس سوار آن شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف کرد غرق شد." بنابراین طبق این حدیث، موَدّت و دوستی اهل بیت(ع) و عمل به احکام دین پیروی از دستورات آنان، سبب نجات از گمراهی است. چنانچه تخلف

عاشورا چه روزی است؟

در صحنه عاشورا مصیبت های زیادی بر امام حسین و ۷۲ یارشان وارد شد و عصر عاشورا دیگر هیچ کس جز امام زنده نماند. امام بر بالای تپه ای ایستادند که هم بر دشمن مسلط باشند و تسلاهی اهل حرم. امام به هر طرف می نگرست بدن شهیدان را می دید، در آن لحظه بدن مجروح امام، تشنگی، محاصره اهل حرم، از دست دادن همه عزیزان... از هر طرف بر امام هجوم می آورد.

امام باقر(ع) می فرماید: بر اندام مطهر حضرت بیش از ۳۲۰ زخم وارد آمده بود، در آن هنگام حضرت از شدت زخم و ضعف و خستگی و تشنگی توقف می نمود تا اندکی بیاساید که یکی از دشمنان سنگی بر جبین حضرت زد و خون از چهره حضرت جاری شد. امام دامن لباس را فرا برد تا خون از چشم و چهره پاک کنند که ناگاه تیری ۳ شاخه و زهرآلود بر سینه حضرت نشست و از پشت بیرون آمد. سپس یکی از دشمنان نیزه ای به شدت به پهلوئی امام زد به طوری که امام از اسب بر زمین سقوط کرد. دیگری شمشیری بر سر امام فرود آورد و سر را شکافت. شمر به دشمنان دستور داد

کار امام را تمام کنند، یکی تیری به دهان حضرت زد، یکی تیری بر حلقوم و یکی ضربتی به دست چپ آورد و آن را قطع نمود و یکی ضربتی بر شانه زد و حضرت به رو افتاد و در نهایت شمر سر حضرت را از بدن جدا کرد...

(بیان شرح زیارت عاشورا و دعای توسل توسط مربی)

توسل به اهل بیت(ع) یعنی چه؟

انسان جهت رفع مشکلات باید به کسانی روی آورد که نزد خدا عزیز هستند و صلاحیت برای توجه دارند. ما در دنیا غمخوار و دل سوزی بهتر از ائمه نداریم. توسل به اهل بیت جهت گره گشایی مشکلات، امری مربوط به همه زمان ها و مکان هاست و روح و جان انسان را برای پیوند با خدا آماده می کند.

روز هشتم: مهدویت

* فلسفه غیبت:

از آن جایی که امام زمان (عج) آخرین حجت خدا بر روی زمین است و با توجه به این که زمین هرگز از حجت خدا خالی نمی ماند، ایشان به طور غیر مستقیم هدایت انسان ها را به عهده دارند. زیرا دشمنان و ستمکاران وجود حضرت (عج) را خطری جدی برای منافع و حکومت خود می دیدند و با ایشان خصومت ورزیده و در صدد قتل و نابودی حضرت (عج) برآمدند؛ بنابراین خداوند ایشان را از چشم دشمنان مخفی نگه داشت تا به ایشان آسیبی نرسد و آثار بارداری را در مادر حضرت (عج) آشکار نساخت تا دشمنان از راز وجود او آگاه نشوند و حجت خدا در زمین باقی بماند.

چگونه مردم در عصر غیبت از وجود امام زمان (عج) بهره می برند؟

در احادیث اسلامی نحوه بهره مندی انسان ها از وجود امام زمان (عج) در عصر غیبت به بهره مندی از خورشید پشت ابر تشبیه شده است. همان گونه

که مردم از نور و گرمای خورشید پشت ابر بهره مند می شوند از نور وجود و معنویت خورشید ولایت نیز بهره می برند. به علاوه پنهان شدن خورشید از ناحیه خورشید نیست بلکه به دلیل ابرهاست که میان دیدگان انسان ها و خورشید فاصله می شوند.

غیبت امام زمان(عج) نیز از ناحیه ایشان نیست بلکه به دلیل موانعی چون بیم کشته شدن، عدم آمادگی فکری توده های مردم و... است. همچنین خورشید برای همیشه پشت ابر باقی نخواهد ماند و پنهان شدن آن در پشت ابر نباید موجب نومیدی گردد و غیبت امام زمان(عج) نیز روزی به پایان می رسد و نباید از ظهور ایشان مایوس گشت. بلکه باید با امید به ظهور ایشان، خود را برای بهره مند شدن از نور وجود او به طور کامل آماده ساخت.

آیا غیبت در گذشته تاریخ سابقه داشت؟

در تاریخ پیامبران الهی مواردی یافت می شود که پیامبر خدا به دلایلی از میان قوم خویش غائب می شد مانند غیبت حضرت یونس(ع)، موسی(ع)، یوسف(ع) و عیسی(ع). در حدیثی از امام باقر(ع) روایت شده که: در قائم آل محمد(عج) پنج شباهت از پنج پیامبر موجود است: شباهت به حضرت یونس(ع): بازگشتن به سوی قوم خود. وقتی که از میان قوم می رفت جوان بود و بعد از غیبت و در زمان برگشت

پیر شده بود. شباهت به یوسف(ع) : غیبت از قوم و خویشاوندان و دشوار شدن امر غیبت وی بر پدرش. شباهت با موسی(ع) در مخفی بودن ولادت حضرت و غائب شدن از شیعیان به دلیل آزار دشمنان، و زمانی که موسی(ع) به سوی قومش برگشت خدا او را بر فرعونیان پیروز ساخت. شباهت با عیسی(ع) در این که برخی قائل به مرگ عیسی(ع) شدند و برخی می گفتند او زنده است و روزی برمی گردد. شباهت با رسول اکرم(ص): این که با شمشیر قیام خواهد نمود و دشمنان خدا و رسول خدا(ص) را نابود خواهد کرد. (بیان غیبت کبری و صغری)

روز نهم: انتظار

* انتظار فرج:

انتظار فرج یکی از بهترین عبادات است.

منتظر چه کسی است و چه وظیفه ای دارد؟

انسانی که منتظر مهمان است ، دست روی دست نمی گذارد که مهمان از راه برسد ، بلکه منزل را تمیز می کند،بهترین امکانات آسایش را و رضایت را برای مهمان فراهم می کند، غذا تهیه می کند و... بنابراین ما نیز در زمان انتظار فرج نباید تنها انتظار را به زبان بیاوریم بلکه در عمل باید فضا را برای ظهور حضرت(عج) آماده نماییم و مهم تر این که خانه دل را صفا و جلا بخشیم و احکام و دستورات الهی را انجام دهیم تا بتوانیم رضایت مولایمان را به دست آوریم.انتظار به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کند و منتظر کسی است که از وضع جامعه آلوده به گناه رنج می برد و برای وضع بهتر تلاش می کند.منتظر کسی است که اعمال صالح انجام می دهد و از گناه و معصیت پرهیز می کند.به علاوه برای اصلاح مردم تلاش می کند و در برابر گنهکار می ایستد. اهل بیت(ع) از پدر و مادر به ما نزدیک تر و مهربان

تر هستند . پدر و مادر فرزندان خود را پاره ی تن خود می دانند و تحمل ناراحتی فرزندان را ندارند، حاضرند به خاطر فرزندان خود را به زحمت بیاندازند. هر رنج و سختی که به فرزندان برسد آن ها بشتر احساس رنج می کنند. این حالات در امام زمان (عج) نسبت به شیعیان بسیار شدید تر از والدین است. رنج و سختی ما برای حضرت سخت است، بلکه سختی که در گرفتاری های شیعیان به حضرت می رسد بیشتر از آن چیزی است که به خود شیعیان می رسد. حضرت شریک غم های ما هستند. چقدر برای حضرت سخت است که فرزندان خود را غافل و نا مهربان با پدر می بیند و با وجود نیاز شدیدی که به او دارند، تنها منجی و پناهگاه و پدر دلسوز خود را رها کردند و به جای اینکه به او پناه ببرند، از او فاصله می گیرند و در دام بلاها و خطرهای می افتند.

(آموزش دعای سلامتی امام زمان و تاکید بر صلوات با
"عجل فرجهم")

*عصر ظهور:

گاهی بعضی ها از حضرت (عج) چهره خشن و بی رحمی ترسیم می کنند که اگر ظهور کند همه را گردن می زند و این باعث شده که ما در انتظار حضرت (عج) به سر نبریم، در حالیکه این بر خلاف حقیقت است. او به همه ما فرموده که برایش دعا کنیم تا زودتر بیاید و در جمع فرزندانش حاضر

باشد و به گرفتاریهایشان پایان بخشد. او رحمت واسعه ی خداوند است برای نجات بشر و آبادانی زمین ، و شوق او برای رسیدن به ما بیشتر از ماست.

نکته: در زمان جنگ، شهدا برای زودتر شهید شدن از یکدیگر سبقت می گرفتند و از فود می گذشتند. به راستی آیا ما در زمان مضور این گونه ایم و ماضریم فود را فدای مولایمان کنیم؟

زمانی که امام زمان (عج) ظهور می کنند حکومت عدل و داد به پا می شود و ستمگران ریشه کن و نابود می شوند. مهدی (عج) کسی است که دادخواهی خون بی گناه امام حسین و یارانش را می کند و تمام ظلم های امروز جامعه، ظلم های مردم فلسطین، افغانستان، غزه و... مردم بی پناه را دادخواهی می کند و حکومت عادلانه ای در پرتو امن و امان در جامعه به وجود می آید.

چه سائل ها نشسته ام / به روی پله
های دل / و انتظار می کشم / همیشه
پابه پای دل / سرود انتظار تو / ترانه
دلَم شده / باز امید دیدنت / بهانه دلم
شده /

روز دهم: معاد

*اثبات وجود معاد:

معاد، بازگشت دوباره انسان به اصل خویش و خالق هستی است.

آیا معاد ممکن است؟

داستان: روزی عزیر نبی(ع) سوار بر مرکب از محلی می گذشت که دید شهری تبدیل به خرابه شده است. در سایهی دیوار خانه ای خراب پیاده شد. افسار حیوان را به کناری بست و مشغول استراحت بود در حالی که سبد غذایش کنار بود و ناگهان چشمش به چند استخوان افتاد. با تعجب گفت: "خداوند چگونه دوباره اهل این شهر را زنده می کند؟" در همین فکر بود که خوابش

برد. خداوند بعد از سالیان درازی عزیر را بیدار کردو به او خطاب کرد که چه مدت خوابیده ای؟ او نگاهی به اطراف کرد و گفت: "یک روز یا نصف روز" یکدفعه به یاد الاغش افتاد، افسار بود اما الاغ نبود و چند تکه استخوان بزرگ منار ریسمان افتاده بود و در کنارش سبد غذایش سالم بود. در آن صدا آمد که "تو صد سال است که مرده ای این هم استخوان های الغ توست. اگر می خواهی بدانی خدا چگونه مردگان را زنده می کند به استخوان های الاغ نگاه کن" در آن هنگام استخوان ها یکی پس از دیگری شروع به حرکت کردند و بعد از آن گوشت و پوست روید و تبدیل به الاغ زنده شد. در آن هنگام عزیر سر بر خاک نهاد و خدا را شکر کرد.

انسانی که می خواهد به سفر برود، چه چیزهایی نیاز دارد؟

بحث ما در مرد سفر است، سفری از این جهان به جهان دیگر. هر انسانی که می خواهد به سفر برود ابتدا مقصد را در نظر می گیرد و وسایل لازم برای سفر را فراهم می کند، حال برای سفر به قیامت نیز نیاز به وسایل و زاد و توشه داریم. به عنوان مثال راننده ای که راه را گم کرده است و جاده را نمی شناسد مضطرب و ترسان است، انسانی هم که اعمال صالح ندارد و از راه راست منحرف شده است، می ترسد.

*هدف از معاد:

هدف، جزای کامل انسان هاست نسبت به آنچه در دنیا عمل کرده اند.

دنیا مزعه آفرت است یعنی چه؟

داستان: روزی حضرت رسول(ص) به اصحاب خویش فرمود که فقیر و بینوا کیست؟ اصحاب جواب دادند کسی که درهم و دینار(پول) نداشته باشد. حضرت فرمود: خیر، بلکه بینوا کسی است که در قیامت حق اشخاصی به گردن او باشد (مانند غیبت، ناسزا، تهمت و...)، کارهای نیک خود را در مقابل حقوق مردم به صاحبان حق می دهند و اگر کار نیکش تمام شد گناهان کسانی که بر این شخص حق دارند را برداشته و بر او بار می کنند، این چنین شخصی فقیر واقعی است.

در قرآن کریم داریم که (فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من مثقال ذره شر یره) یعنی هر کس هر عملی به اندازه ذره ای هم انجام داده باشد در قیامت محاسبه می شود و دریغ نمی شود.

پرا فدا به شیطان مهلت داده که انسان را گمراه کند؟ آیا این با عدل الهی سازگار است؟

از آن جایی که شیطان شش هزار سال خدا را عبادت نمود و از طرفی مشیت عمومی خدا بر این است که به عبادت کنندگان پاداش دهد، شیطان نیز

استحقاق پاداش داشت و از خدا خواست که پاداش عبادتش در دنیا به او عطا شود. در نتیجه به جهت عداوت با انسان از یک سو و لجاجت و تکبر از سوی دیگر فریب دادن انسان ها را به عنوان پاداش خود تعیین کرد. به علاوه نقش شیطان در گمراه ساختن انسان ، جز در حد تشویق به گناه و آرامش آن و وسوسه نیست و هرگز تسلط جبری ندارد. در قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره شده است که شیطان خطاب به گنهکاران می گوید که: "من بر شما سلطنت نداشتم جز این که شما را فراخواندم و شما اجابت کردید." بنابراین انسان به حکم عقل و فطرت و رهنمودهای انبیاء می تواند بر آن غلبه کند.

داستان: یکی از چیزهایی که مقدرات انسان را به سعادت بر می گرداند نیکی به پدر و مادر است. روزی مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت: من در زمان جاهلیت قبل از اسلام گناهی بزرگ انجام دادم و نمی دانم که بخشیده میشود یا نه؟ همسرم دختری متولد کرد و او را پنهانی بزرگ کرد و بعد من روزی او را به بیابان بردم و زنده به گور کردم. آیا گناهم بخشیده می شود؟ حضرت فرمودند: مادر داری؟ عرض کرد: نه، از دنیا رفته است حضرت: خاله داری؟ گفت: بله، حضرت (ص) فرمودند: به او احسان کن تا شاید بخشیده شوی. حضرت زمان رفتن فرمود: ای کاش مادرش بود، یعنی احسان و نیکی به مادر این گناه او را جبران می کند.

روز یازدهم: مرگ و برزخ

*مرگ:

مرگ به منزله پلی است که انسان را به جهان دیگر منتقل می کند.

چرا انسان ها از مدت عمر خویش با فیر نیستند؟

در پنهان بودن مدت عمر اشخاص مصلحتی است؛ زیرا اگر هر کسی مدت عمر خویش را بداند اگر عمرش کوتاه باشد زندگانی برایش گوارا نخواهد بود و پیوسته در غم و ناامیدی به سر می برد. اگر عمرش طولانی باشد امید به بقا باعث می شود که در لذت دنیا و معاصی حق تعالی فرو رود به این امید که لذت خویش را انجام دهد آخر کار توبه نماید. بنابراین بهترین راه این است که مدت عمر مشخص نباشد تا در تمام عمر انسان منتظر مرگ خویش باشد و گناه مرتکب نشود و ترک معاصی و اطاعت خداوند را نماید.

امام صادق(ع): هول و هراسی که نمی دانی چه وقت تو را فرا می گیرد، چرا پیش از آن که ناگهان به سراغت آید برایش آماده نمی شوی؟

*فرار از مرگ:

بگو(ای پیامبر) مرگی را که از آن فرار می کنید شما را ملاقات می کند، سپس شما به جهان پنهان و آشکار(قیامت) برده می شوید و نسبت به آن چه در دنیا انجام داده اید شما را آگاه می کنند.(جمعه ۱۱)

آیا می توان از مرگ فرار کرد؟

مرگ حقیقتی است که انسان در همان حال که از آن فرار می کند، با آن ملاقات می کند.

داستان:نقل کرده اند که در یکی از روزها مردی وحشت زده در حالی که از شدت ترس رویش زرد و لبانش کبود و زبانش به لکنت افتاده بود، خدمت سلیمان(ع) رسید.حضرت از او پرسید : علت ترس و نگرانی تو چیست؟ او گفت: عزرائیل را دیدم که از روی کینه و غضب به من نگاه می کرد و من از وحشت آن نگاه این چنین شدم. سلیمان گفت: حال از من چه می خواهی؟ مرد گفت: باد در اختیار شماست.به او فرمان دهید مرا به دورترین نقطه ببرد، شاید از چنگ عزرائیل رهایی یابم. سلیمان این کار را کرد،روز بعد سلیمان عزرائیل را دید و از او علت این کارش را پرسید. عزرائیل عرض کرد: خدا به من امر نمود در فلان ساعت جان او را در هندوستان قبض کنم اما من نزدیک آن ساعت او را در این جا یافتم، تعجب کردم که چگونه ممکن است در

ساعت مشخص جان او را درسرزمین دور دست هندوستان بگیرم. زمانی که در ساعت مقرر به آن جا رفته ام او را آن جا یافته ام و جانش را گرفتم.

امام صادق(ع): وقتی جنازه ای را ممل می کنی، فکر کن فوت درون تابوت هستی و از خدا درخواست می کنی که تو را به دنیا برگرداند و خدا تو را بازگردانید، پس بنگر چگونه شروع می کنی!

امام سجاده(ع): زودا، که عمرت به سر آید و فرشته جانت را بگیرد و به سوی منزلی (قبر) رهسپار شوی و نکیر و منکر برای پرسش از تو و امتحانی سخت وارد قبر شوند.

داستان: سلمان فارسی زمان نزدیک شدن مرگش به قبرستان رفت و خطاب به مرده ای ، کیفیت و چگونگی مرگ را از او پرسید. آن شخص مرده در جوابش گفت: "به خدا سوگند که قطعه قطعه شدن بدن با قیچی ها و اره شدن آن بر من آسان تر از یک اندوه و ناراحتی از ناراحتی های مرگ بود و این در حالی است که من اهل خیر بودم... در آن اثنا که بهترین لذت زندگی را می بردم ناگاه بیمار شدم سپس عمرم به سر آمد. شخصی عظیم الجثه و زنده منظر آمد و در برابر من ایستاد، اشاره به چشمم کرد و آن را نابینا نمود. به گوشم اشاره کرد و آن را کر ساخت، به زبانم اشاره کرد و آن را لال نمود... و شروع به قبض روحم کرد. هر قسمت را که جذب می نمود چنان بود که گویی از آسمان به زمین پرتاب می شدم و همچنان به کار خود ادامه می داد تا روح به سینه من رسید. آن گاه چنان روح را از پیکرم با شدت و سختی جذب کرد که اگر این شدت بر کوه ها واقع می شد ذوب می گردید و خلاصه روح مرا از بینی ام قبض کرد..."

آیا فیضات و هدایای زندگان به مردگان می رسد؟

رسول اکرم فرمودند: انسان مرده در قبر همچون انسانی در حال غرق شدن است و هر لحظه منتظر کمکی است، گاهی چشم به دعای دیگران دارد و همین که می بیند شخصی در حق او دعایی کرد، از این که همه دنیا را به او دهند بیشتر شاد می شود سپس فرمودند: هیبه شما برای مردگان دعا و استغفار است.

داستان: مرد صالحی می گوید شب جمعه ای در راه سفر به قبرستانی رسیدم، ساعتی استراحت کردم که خوابم برد، دیدم قبرها شکافته شد و از هر قبری شخصی برآمد و برای هر یک ظرفی از آسمان فرود آمد. هر کس ظرف خویش را گرفت و به گور بازگشت ولی جوانی که جامه ای کهنه به تن داشت برایش هیچ ظرفی نیامد و با ناامیدی برخاست که به گور خویش برود. به او گفتم این ظرف ها چه بود و چرا به تو ندادند؟ گفت: این ها خیراتی است که زندگان برای مردگان می فرستند و خدای تعالی ثواب آن را شب جمعه به مرده ها می رساند و چون برای من خیراتی ندادند چیزی فرود نیامد.

آیا با مرگ پرونده عمل انسان بسته می شود؟

در حدیثی از رسول اکرم(ص) است که چند چیز است که اگر انسان یکی از آن ها را به جای گذارد پس از مرگ، ثوابش در پرونده عملش جاری است... یکی از آن ها تربیت فرزند صالح است.

داستان: روزی حضرت عیسی(ع) از کنار قبری گذشت که دید صاحبش را عذاب می کردند. سال بعد که از کنار همان قبر گذشت دید او را عذاب نمی کنند. از خدا علت را پرسید، خدا فرمود: او پسری نیکوکار داشت که راهی را اصلاح کرد و به یتیمی پناه داد و من به سبب آن چه پسرش انجام داد او را بخشیدم.

روز دوازدهم: قیامت

*قیامت:

روز رسیدگی به همه اعمال آدمی است اگرچه به اندازه
مثقال ذره ای باشد.

در قیامت چه موادتی رخ می دهد؟

*رخدادهای پیش از رستاخیز:

به گواهی قرآن، پیش از رستاخیز حوادث عظیمی به طور
ناگهانی رخ می دهد که از علائم قیامت است. در این هنگام
انقلاب بزرگی در موجودات رخ می دهد آنچنانکه گویی مرگ
آنان فرا رسیده: کوه ها به لرزه در می آیند و از جا کنده و در
هم کوبیده می شوند، سپس به گرد و غبار پراکنده تبدیل می
شوند، دریاها شکافته و شعله ور می گردند، زلزله ای بس
بزرگ رخ می دهد، خورشید و ستارگان تیره می شومند،
آسمان شکافته می شود و بسان فلزی گداخته می گردد و تومار
آن در هم می پیچد.

*عرصه محشر:

در صحرای محشر به قدری ازدحام زیاد است که تنها جای ایستادن برای هر کس است و ۵۰ هزار سال به این صورت در انتظار سرنوشت خود هستند.

در حدیثی از رسول اکرم آمده است که زمانی که خداوند خلایق را زنده می کند ملائکه ی شداد جهنم را به سوی محشر می کشانند در حالی که آتش های آن شعله کشیده است. سپس صراط را بر بالای آتش نصب می کنند برای آن که مردم از صراط عبور کنند. بر روی صراط از چند چیز سوال می شود: امانت، صله رحم، نماز و در ایستگاه آخر، کار حساب او مورد رسیدگی خصوصی خداوند قرار می گیرد. ابتدا از ایشان می پرسند که با مردم چگونه رفتار کردی؟! امین بودی یا خائن. در جان و مال و ناموس و فرزندان و دین و حیثیت مردم خیانت کردی و آن ها را به راه باطل بردی یا امین بودی. دوم از ایشان می پرسند که با خویشاوندان خود چگونه رفتار کردی آیا به آن ها احسان و نیکی کردی با قطع نیکی نمودی. در مرحله سوم اگر از عهده دو سوال نخست بر آمد از او می پرسند که آیا نماز می خواندی؟! اگر از عهده ی نماز هم بیرون آمد به سوی محاسبه خصوصی می رود. مردم در روی صراط با دست به آن چسبیده اند ، گاهی پای آنان می لغزد ، گاهی خود را می گیرند و مردم مانند گروه ملخ هایی که به جایی فرود می آیند در میان آتش ریخته می شوند.

در محشر ایستگاه های زیادی است و هر ایستگاه به نام یکی از واجبات دین و به نام یکی محرمات دین است مانند: زکات، حجاب، ربا... مردم به هر یک از ایستگاه ها که می رسند اگر در مورد آن واجب کوتاهی نمودند در آن جا توقیف می شوند و از ایشان مطالبه می کنند. اولین ایستگاه قیامت به قدری جمعیت زیاد می شود که راه عبور بسته می شود و از شدت تنگی مردم بر یکدیگر سوار می شوند و نفس ها تنگ می شود و عرق از بدن ها می ریزد و چنان بر آنها مشکل می شود که صدایشان به گریه بلند می شود و این اولین هول و وحشت روز قیامت است. سپس از جانب خداوند خطاب می رسد که از این ایستگاه نخواهید گذشت مگر آن که هر مظلومی حق خود را از ظالم بگیرد و هر مظلومی برای مطالبه حق، به ظالم خویش می چسبد.

یکی از نام های قیامت یوم المسره است. یعنی چه؟

*توصیف بهشت و جهنم:

(در این قسمت با توجه به آیات مربوطه، مربی توضیح

دهد.

ویژه جوانان

اگر قبرستان جایی است که مردگان را در آن به خاک می
سپارند، پس ما قبرستان نشینان روز مرگ ها را کی راهی به
معنای زندگی است! اگر مقصد پرواز است، قفس ویران
بمتر. پرنده ای که مقصد را در کوچ میابد از ویرانی لانه اش
نمی هراسد. (شهید آوینی)

* ضرورت پرستش:

داستان: امام صادق(ع) فرمودند: حضرت داوود(ع) در روز عرفه جمعیت زیادی را دید که مشغول دعا و مناجات بودند، از جمعیت جدا شد و بالای کوه عرفات مشغول دعا و مناجات شد. پس از دعا جبرئیل بر او نازل شد و گفت: خداوند فرمود چرا بالای کوه رفتی؟ گویی گمان بردی صدای افراد را نمی شنوم! سپس جبرئیل داوود(ع) را کنار دریای جدّه آورد و او را به عمق دریا برد که مساحت آن به اندازه ۴۰ روز راه رفتن بود. داوود(ع) در آن قعر دریا سنگی دید، آن را شکست، در میان آن کرمی را دید. جبرئیل به داوود(ع) گفت: خدا می فرماید من صدای این کرم را در میان این سنگ در قعر این دریا می شنوم، آیا گمان می بری که صدای کسی که در هر جا صدا بزند بر من مخفی است!

بنابراین خداوند متعال ناظر بر پرستش و عبادت ماست. حال شاید این سوال مطرح شود که خداوند همیشه به انسان نعمت نمی دهد چه بسا نعمتی را از انسان بگیرد و لازمه ی عبادت برای ما وجود نعمت است که به ما نداده است؟ در پاسخ باید گفت که همین خلقت انسان خود لطفی بیکران از جانب خداوند است و از طرفی چه بسا سلب نعمت باعث خود ساختگی بنده می

شود و به خدا نزدیکتر می شود، هم چنین برای آزمایش بندگان است که همواره خدا را شکر کنند و ناسپاسی او را ننمایند.

به علاوه گاهی نعمت هایی که خدا به انسان می دهد تا یک مقطعی برای انسان خوب است و مایه ی سعادت او خواهد بود و از آن به بعد زیانبار و خطرناک می شود و به همین دلیل آن را از ما می گیرد، یعنی می گیرد که با شکرگذاری ما بیشتر از آن را به ما بدهد. مثل مادری که تا یک مقطعی به کودک شیر می دهد ولی بعد از آن کودک را از شیر می گیرد تا غذا را که بهتر و مفیدتر است را به او بدهد، در حالی که کودک چون حکمت آن را نمی داند شیون و فریاد سر می دد. بنابراین خداوند را در هر حالت باید شکر نمود.

*مرگ:

عزرائیل برای قبض روح موسی آمد. موسی به او گفت: جانم را از کدام عضو می گیری؟ عزرائیل گفت: از دهانت. موسی گفت: آیا از دهانی که بی واسطه با خدا سخن گفته جانم را می گیری؟ عزرائیل گفت: از پایت می گیرم. موسی گفت: آیا از پایی می گیری که با آن برای مناجات با خدا به کوه طور رفت؟ عزرائیل گفت: از دستت می گیرم. موسی گفت: آیا از

دستی می گیری که با آن الواح تورات را گرفته است. در نهایت عزرائیل نارنجی خوش بو به موسی داد و آن را بو کرد و جان سپرد. موسی گفت: مرگ را مانند گوسفندی که پوستش را زنده بکنند یافتم.

*لحظات پس از مرگ:

امام علی(ع): اگر آن چه را (فتگان شما دیده اند، می دیدید، هر آینه بی تاب می شدید و وهشت می کردید و فرمان می بردید اما آن چه آنها دیده اند از شما پوشیده است و زودا که پرده فرو افتد.

(بیان مباحث سیاحت غرب)

*تجسم اعمال در برزخ:

داستان: روزی یکی از علما نقل می کنند که در قبرستان جنازه ای دفن کردند، بعد از ساعتی بوی خوشی از آن قبر به مشام رسید که از بوهای دنیوی نبود و همان موقع صورت زیبایی وارد قبر شد سپس بوی گندی پلیدتر از هر بویی به مشام رسید و سپس سگی داخل قبر شد. مدتی گذشت و آن جوان زیبا، مجروح از قبر بیرون آمد. علت را از او پرسیدم، گفت: من عمل صالح میت بودم و آن سگ اعمال بدش بود و چون اعمال بدش بیشتر بود مرا بیرون کرد و آن سگ انیس میت شد

❖ آثار زیارت اهل قبور:

۱) عبرت گرفتن از اموات و به یاد آخرت افتادن.

۲) کم شدن حرص و طمع و علاقه دنیوی.

۳) برآوردن حاجات بر سر قبور مومنین.

۴) نفع بردن اموات از خیرات.

❖ قیامت:

در قیامت مردم از قبرها پراکنده می شوند و بیرون می آیند تا پاداش و جزای اعمال نیک و بد خود را ببینند. در قیامت زلزله ای عظیم رخ می دهد و به حدی وحشتناک است که هزاران شیردهی از شدت ترس از طفل شیرخوار خود غافل می شوند و هر زن آبستنی بچه اش را سقط می کند و مردم در آن روز از شدت ترس و وحشت مست به نظر می رسند. زمانی که در صور دمیده می شود کوه ها و زمین از جای خود حرکت می کند و در هم شکسته می شود و قیامت بر پا می شود. روز قیامت روزی است که مال و فرزند و پدر و مادر هیچ کدام برای انسان نفعی ندارد و هر کدام از دیگری فرار می کند و در صدد نجات خویش است. در حدیثی از رسول اکرم آمده است که زمانی که خداوند خلایق را زنده می کند ملائکه ای شداد جهنم را به سوی محشر می کشانند در حالی که آتش های آن شعله کشیده است. سپس صراط را بر بالای آتش نصب می کنند برای آن که مردم از صراط عبور کنند. بر روی صراط از چند چیز سوال می شود: امانت، صلّه، رحم، نماز و در ایستگاه آخر، کار حساب او مورد رسیدگی خصوصی خداوند قرار می گیرد. ابتدا از ایشان می پرسند که با مردم چگونه رفتار کردی؟! امین بودی یا خائن. در جان و مال و ناموس و فرزندان و دین و حیثیت مردم خیانت کردی و آن ها را به راه باطل بردی یا امین بودی. دوم از ایشان می پرسند که با خویشاوندان خود

چگونه رفتار کردی آیا به آن ها احسان و نیکی کردی با قطع نیکی نمودی. در مرحله سوم اگر از عهده دو سوال نخست بر آمد از او می پرسند که آیا نماز می خواندی؟ اگر از عهده ی نماز هم بیرون آمد به سوی محاسبه خصوصی می رود. مردم در روی صراط با دست به آن چسبیده اند ، گاهی پای آنان می لغزد ، گاهی خود را می گیرند و مردم مانند گروه ملخ هایی که به جایی فرود می آیند در میان آتش ریخته می شوند.

داستان: حضرت عیسی از قبری گذر می کرد از خدا خواست که صاحب قبر را زنده کند، همین که زنده شد از او سوال کرد : حال تو در آن دنیا چگونه است؟ عرض کرد: من حمّال و باربر بودم، روزی هیمه ای برای کسی می بردم ، خلالی از آن جدا کردم تا دندان خود را با آن خلال کنم، از زمانی که مرده ام تا کنون عذاب همان خلال را می کشم .

* شکل های گنه کاران امت پیامبر (ص):

در حدیثی از رسول اکرم (ص) است که ۱۰ صنف از امت من به شکل های مختلف وارد صحرای محشر می شوند: ۱- گروهی به صورت بوزینه و میمون وارد محشر می شوند که آن ها کسانی از امت پیامبر هستند که ، سخن چین بوده اند.

۲- گروهی به صورت خوک وارد محشر می شوند که افرادی هستند که مال حرام می خوردند. ۳- گروهی سر نگون وارد محشر می شوند ، آن ها افرادی اند که ربا و نزول می خوردند. ۴- گروهی کور وارد محشر می شوند، افرادی اند که به ظلم و جور در میان مردم حکم می کنند. ۵- گروهی لال و کر وارد محشر می شوند، آن ها افرادی اند که کارهای

خوب را بسیار پنداشته اند و عجب آن ها را گرفت. ۶- گروهی در حالی که زبان خود را می جووند وارد محشر می شوند، آن ها کسانی اند که به علم خود عمل نمی کردند.

۷- گروهی با دست و پای بریده وارد محشر می شوند، آن ها افرادی اند که همسایگان خود را اذیت می کردند. ۸- گروهی بد بو تر از مردار گندیده وارد محشر می شوند، آن ها افرادی هستند که از راه حرام خوش گذرانی و شهوت رانی می کرده اند. ۹- گروهی لباس آتشین به تن دارند، کسانی اند که بر مسلمین متکبر بودند. ۱۰- گروهی برهنه و بر آتش بر دار آویخته وارد محشر می شوند، آن ها کسانی اند که بدگویی مسلمانان را نزد حاکم می کردند.

عذاب زنان گنهکار امت پیامبر(ص):

رسول اکرم(ص) در شب معراج که به آسمان رفت در ترسیمی ، زنی را دید که به موی سرش آویخته بودند و مغز سرش از شدت عذاب می جوشید، او زنی بود که موی سرش را از مردان نا محرم نمی پوشانید. زنی را دید که او را به زبانش آویخته بودند و آب سوزان جهنم را به حلقش می ریختند، او زنی بود که شوهر خود را به زبان اذیت می کرد. زنی را دید که گوشت بدن خود را از شدت خشم می جوید و آتش در زیر او شعله می کرد، او زنی بود که بدن خود را برای نامحرمان زینت می کرد. زنی را دید که پاهایش را به دست هایش بسته بودند و مارها و عقرب ها بر او مسلط بودند، او زنی بود که خود را طهارت نمی کرد و لباس هایش را پاک نمی کند و غسل جنابت نمی کرد و به نماز بی اعتنا بود.

زنی را دید که به صورت سگ بود و آتش از د برش داخل می کردند و از دهانش بیرون می آمد و ملائکه با گرزهای آتش بر سر و بدن او می زدند، او زنی بود که آوازخوان بود و ...

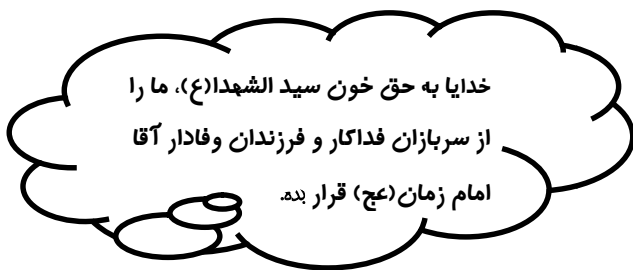
پناه می بریم از خداوند متعال و به واسطه ائمه و توسل به آن ها به درگاه الهی توبه می نماییم و امید به شفاعت ائمه داریم. در حدیثی از رسول اکرم (ص) آمده است، هر زنی که شوهرش را بیازارد خداوند نمازش را نمی پذیرد و هیچ حسنه ای را از او قبول نمی کند اگرچه تمام ایام را روزه باشد؛ مگر آن که شوهر خود را از خود راضی کند و به وی کمک نماید. همچنین است اگر مردی زن خود را بیازارد.

امام باقر(ع): هیچ شفاعت کننده ای برای زن در پیشگاه خدا از رضایت شوهر بالاتر نیست.

در حدیثی از نهج البلاغه آمده است که: "مردم! شما چونان مسافران در راهید که در این دنیا فرمان کوچ داده شده اید. دنیا خانه اصلی شما نیست و به جمع آوری زاد و توشه فرمان داده شده اید. آگاه باشید که این پوست نازک تن طاقت آتش دوزخ را ندارد، پس به خود رحم کنید، شما مصیبت های دنیا را آزمودید، آیا ناراحتی یکی از افراد خود را بر اثر خاری که در تنش فرو رفته، یا در اثر زمین خوردن پایش مجروح شده یا ریگ های داغ بیابان او را رنج داده است، دیده اید که تحمل آن چقدر مشکل است؟ پس چگونه می شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ های گداخته همنشین شیطان ها باشید؟ آیا می دانید

وقتی که مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله ها بر روی هم می غلتند و یکدیگر را می کوبند؟ و آن گاه که بر آتش بانگ زند، میان درهای جهنم به هر طرف زبانه کشند؟

و در پایان دل خوش می کنیم به دعایی که امید استجابت از درگاه خداوند متعال را داریم.



الهم عجل لولیک الفرج